



اخلاق حرفه ای معلم

(با تأکید بر حقوق و تکالیف اسلامی)

مؤلفان:

دکتر عباس اناری نژاد

دکتر محمد جاودانی

اعضای هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

شناسنامه: عباس اناری نژاد و محمد جاودانی
عنوان و نام پدید آورندگان: اخلاق حرفه ای معلم (با تاکید بر حقوق و تکالیف اسلامی) /
دکتر عباس اناری نژاد و دکتر محمد جاودانی
مشخصات نشر: انتشارات شیوا رسا
مشخصات ظاهری: قطع وزیری، ۱۵۱ صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۸۲-۳۹-۰
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا: آموزش و پرورش
رده بندی کنگره: ۹ ک ۷ الف / KRS ۲۳۵
رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۱۵
شماره کتابخانه ملی: ۲۹۹۶۳۲۵
بها: ۱۰،۰۰۰ تومان

نام کتاب: اخلاق حرفه ای معلم (با تاکید بر حقوق و تکالیف اسلامی)
پدید آورندگان: دکتر عباس اناری نژاد و دکتر محمد جاودانی
صفحه آرا: سحر شجاعیان
ناشر: انتشارات شیوا رسا
نوبت چاپ: چاپ اول زمستان ۹۵
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۸۲-۳۹-۰
طراح جلد: سحر شجاعیان
تلفن پخش: ۰۹۰۱۶۲۵۲۷۱۱
بها: ۱۰،۰۰۰ تومان
پست الکترونیکی: Anarinejad@gmail.com

« کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای مولفان این کتاب می باشد. »

تقدیم به :

روح متعالی استاد اخلاق مدار، شادروان دکتر اکبر مسعودی



فهرست مطالب

۶	مقدمه
۹	فصل اول: چیستی اخلاق حرفه ای در تربیت
۱۰	- حرفه و ابعاد آن
۱۳	- اخلاق و تفاوت آن با هنجارهای اجتماعی دیگر
۱۸	- اخلاق حرفه ای
۲۰	- اخلاق حرفه ای در تربیت
۲۴	- ابعاد اخلاق حرفه ای تربیت (حقوق و تکالیف معلمی و سازمان های تربیتی)
۵۳	فصل دوم: چرایی و ضرورت اخلاق حرفه ای تربیت
۵۴	- نقش و جایگاه اخلاق حرفه ای
۶۰	- آثار و نتایج اخلاق حرفه ای در محیط های تربیتی
۶۵	فصل سوم: چگونگی اخلاق حرفه ای تربیت
۶۶	الف) اخلاق (حقوق و تکالیف) معلمی در زمینه:
۶۷	شیوه حضور در کلاس درس
۶۹	- تدریس و آمادگی برای آن
۷۱	- ارزشیابی دانش آموزان
۷۴	- کلاس داری نظم
۷۶	- ارتباط با همکاران
۸۰	- ارتباط با والدین دانش آموزان
۸۳	- ارتباط با جامعه محلی
۸۴	ب) اخلاق (حقوق و تکالیف) سازمانهای تربیتی در قبال:
۸۴	- معلم و کارکنان
۸۷	- دانش آموزان
۸۹	- والدین دانش آموزان
۹۳	- جامعه محلی و سازمانهای تربیتی همجوار
۹۴	- در قبال سطوح بالاتر مدیریت
۹۸	فصل چهارم: مسائل اخلاق حرفه ای تربیت
۹۹	الف) مفهوم شناسی تعارضات اخلاقی در موقعیتهای تربیتی
۱۰۲	ب) تعارضات اخلاقی در موقعیتهای تربیتی و شیوه مواجهه با آنها:
۱۰۴	- مسائل اخلاقی در فرایندهای یاددهی یادگیری
۱۰۷	- مسائل اخلاقی در فرایند ارزشیابی تحصیلی دانش آموزان



- ۱۱۰ - مسائل اخلاقی در مدیریت کلاس
- ۱۱۳ - مسائل اخلاقی در ارتباط با والدین
- ۱۱۷ - مسائل اخلاقی در ارتباط با همکاران
- ۱۲۱ - مسائل اخلاقی در ارتباط با دانش آموزان با مشکلات ویژه

۱۲۸ فصل پنجم: جایگاه و اصول اخلاق حرفه ای معلم از منظر تعلیم اسلامی

۱۲۹ الف) جایگاه معلم در نظام تعلیم و تربیت اسلامی

- ۱۲۹ - جایگاه معلم در قرآن
- ۱۳۱ - جایگاه معلم در سنت و سیره پیامبر(ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام)

۱۳۳ ب) اصول اخلاق حرفه ای معلمی از منظر تعلیم و تربیت اسلامی

- ۱۳۳ - اصل اخلاص در نیت
- ۱۳۴ - اصل حفظ کرامت و منزلت
- ۱۳۶ - اصل عامل بودن و هماهنگی بین قول و فعل
- ۱۳۷ - اصل رعایت عدالت و انصاف
- ۱۳۸ - اصل احترام به آزادی و اختیار فراگیران
- ۱۳۸ - اصل شکوفا سازی فطرت

۱۴۰ ج) نکات تربیتی در داستان حضرت موسی و حضرت خضر (علیهما السلام)



مقدمه

معلم، کلیدی ترین و موثرترین عامل و عنصر نظام تعلیم و تربیت است؛ به گونه ای که توفیق یا شکست برنامه ها و فعالیت های آموزشی و پرورشی این نظام، مستقیم یا غیرمستقیم معطوف به معلمان آن می باشد. اهمیت، جایگاه و نقش معلم در تعلیم و تربیت تا حدی است که می توان گفت معلم، کارآیی و کفایت او، آینه تمام نمای کفایت و کارآیی هر نظام آموزش و پرورش می باشد و مهمترین وسیله رسیدن جامعه به غایات و هدف های آموزش و پرورش، معلم صاحب صلاحیت است (رئوف، ۱۳۷۹؛ پورظهیر، ۱۳۸۱). به همین دلیل معلم و کار او تاثیر عمیقی بر عزت و ذلت و پیشرفت و انحطاط جوامع دارد و در حقیقت می توان گفت، رهبری نسل آینده هر جامعه به دست معلمان آن جامعه می باشد.

بر این اساس در تمام مکاتب، فرهنگ ها و نظام های تعلیم و تربیت بشری، معلم از اهمیت و اعتبار ویژه ای برخوردار است. این جایگاه و پایگاه و منزلت در مکتب انسان ساز و الهی اسلام و نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر قرآن و سنت و سیره پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع) به اوج خود می رسد. شواهد آیاتی و روایاتی زیادی حاکی از آن است که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، معلم همکار خدا و پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع) قلمداد می شود و به همین جهت از جایگاه و مقامی با عظمت برخوردار است و به موازات آن رسالتی سنگین و ماموریتی حساس در هدایت و رهبری انسانها برای طی طریق رشد و کمال و تحقق ذات بر دوش دارد.

معلم برای انجام موثر کار خود همچون سایر مشاغل و حرف، نیازمند برخورداری از صلاحیت، شایستگی و رفتارهای ویژه است؛ چرا که او با تعلیم و تربیت انسانها سر و کار دارد که خود یکی از پیچیده ترین و دشوارترین مسائل مبتلا به بشر است (به نقل از شکوهی، ۱۳۷۶، ص ۱۱). مضافاً، یکی از ویژگی های بارز و شاخص این حرفه دشوار و پیچیده، مبتنی بودن آن بر اخلاق، ارزش ها و رفتارهای اخلاقی است. چنانکه نلر معتقد است؛ در همه امور تعلیم و تربیت سخن از ارزش هاست و تعلیم و تربیت، عموماً عملی اخلاقی و حرفه معلمان پیوسته متوجه آن است (نلر، ۱۳۸۰، ص ۳۹-۴۱).

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، پاسداشت مرتبت این رسالت و ماموریت الهی و دست یابی به توفیق در ایفای این وظیفه خطیر که می توان از آن به عنوان حرفه انسان سازی یاد کرد، علاوه بر اینکه مستلزم برخورداری از دانش، گرایش و توانش های خاصی است که از طریق تحصیل و تجربه قابل حصول می باشد، نیازمند اخلاقیات و رفتارهای ویژه ای است که می توان از آنها به عنوان اصول اخلاق حرفه ای معلمی یاد کرد که مبتنی بر انسان شناسی اسلامی بوده و رعایت آنها از سوی معلم و مربی در ارتباط با علم و دانش، خود، فراگیران و اولیاء آنها و همکاران، نقش تعیین کننده ای در دستیابی به توفیق در این حرفه دارد. ضروری است شاغلان و داوطلبان حرفه معلمی علاوه بر آشنایی و شناخت دقیق این اصول، با باوری عمیق



نسبت به رعایت آنها در فرایند تعلیم و تربیت و آموزش و تدریس، توجه و مراقبت نمایند و بدین وسیله موجبات توفیق هر چه بیشتر خود را در ایفای این حرفه و رسالت خطیر رقم زنند.

قرار گرفتن سرفصل درس «اخلاق حرفه ای معلم» در برنامه درسی دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته های مختلف دانشگاه فرهنگیان، حاکی از اهمیت و ضرورت این درس در تربیت معلمان کشور می باشد. در واقع دانشجویان با درک عمیق از ارزشهای اخلاقی (حقوق و تکالیف) حاکم بر موقعیت های تربیتی قادر خواهند بود موقعیت های تربیتی را در راستای تحقق اهداف از منظر اخلاقی اصلاح و بهبود بخشند. حاکمیت اصول اخلاقی بر مناسبات جاری در موقعیت های تربیتی از یک سو موجب تسریع و ارتقا رشد اخلاقی متربیان خواهد شد و از سویی دیگر موجب ایجاد فضا و بستری مناسب برای تعالی متربیان در ساحت های دیگر تربیت خواهد گردید.

کتاب حاضر بر اساس سرفصل درس «اخلاق حرفه ای معلم (با تاکید بر حقوق و تکالیف اسلامی)» مصوب شورای برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به ارزش سه واحد، برای دانشجویان دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته های مختلف تحصیلی دانشگاه فرهنگیان و هم چنین معلمان فرهیخته و ارزشمند نظام آموزشی کشور طراحی و تالیف شده است.

این کتاب تحت عنوان «اخلاق حرفه ای معلم (با تاکید بر حقوق و تکالیف اسلامی)»، در قالب پنج فصل به شرح ذیل تقدیم خوانندگان گرامی می شود:

فصل اول: «چیستی اخلاق حرفه ای در تربیت»: در این فصل حرفه و ابعاد آن، اخلاق و تفاوت آن با هنجارهای اجتماعی دیگر، اخلاق حرفه ای، اخلاق حرفه ای در تربیت و ابعاد اخلاق حرفه ای تربیت (حقوق و تکالیف معلمی و سازمان های تربیتی) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم: «چرایی و ضرورت اخلاق حرفه ای تربیت»: این فصل به بررسی و تحلیل نقش و جایگاه اخلاق حرفه ای و آثار و نتایج اخلاق حرفه ای در محیط های تربیتی پرداخته است.

فصل سوم: «چگونگی اخلاق حرفه ای تربیت»: این فصل به دو بخش: الف) اخلاق (حقوق و تکالیف) معلمی در زمینه های شیوه حضور در کلاس درس، تدریس و آمادگی برای آن، ارزشیابی دانش آموزان، کلاس داری نظم، ارتباط با همکاران، ارتباط با والدین دانش آموزان، ارتباط با جامعه محلی؛ و ب) اخلاق (حقوق و تکالیف) سازمانهای تربیتی در قبال معلم و کارکنان، دانش آموزان، والدین دانش آموزان، جامعه محلی و سازمانهای تربیتی همجوار، و سطوح بالاتر مدیریت اختصاص یافته است.

فصل چهارم: «مسائل اخلاق حرفه ای تربیت»: در این فصل ابتدا به مفهوم شناسی تعارضات اخلاقی در موقعیت های تربیتی پرداخته شده و در ادامه، تعارضات اخلاقی در موقعیت های تربیتی و شیوه مواجهه با مسائل اخلاقی در فرایندهای یاددهی یادگیری، ارزشیابی تحصیلی دانش آموزان، مدیریت کلاس، ارتباط با والدین، ارتباط با همکاران، و ارتباط با دانش آموزان با مشکلات ویژه ارائه گردیده است.

فصل پنجم: جایگاه و اصول اخلاق حرفه ای معلم از منظر تعلیم اسلامی: در این فصل پس از بررسی جایگاه معلم در نظام تعلیم و تربیت اسلامی؛ از جمله در قرآن و سنت و سیره پیامبر(ص) و ائمه اطهار



(علیهم السلام)، اصول اخلاق حرفه ای معلمی از منظر تعلیم و تربیت اسلامی؛ شامل: اصل اخلاص در نیت، اصل حفظ کرامت و منزلت، اصل عامل بودن و هماهنگی بین قول و فعل، اصل رعایت عدالت و انصاف، اصل احترام به آزادی و اختیار فراگیران و اصل شکوفا سازی فطرت مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در انتها نیز نکات تربیتی از داستان حضرت موسی و حضرت خضر (علیهما السلام) مطرح شده است. بی تردید کتاب حاضر خالی از اشکال نخواهد بود. مولفان صمیمانه سپاسگزار تمامی استادان، صاحب نظران و اندیشمندانی خواهند بود که ایشان را از ارشادات و رهنمودهای ارزشمند خویش در غنی سازی این کتاب در ویرایش های بعدی بهره مند فرمایند.

عباس اناری نژاد، محمد جاودانی

بهمن ماه ۱۳۹۵



فصل اول

چیستی اخلاق حرفه ای در تربیت

❖ آنچه در این فصل می خوانید ...

- حرفه و ابعاد آن
- اخلاق و تفاوت آن با هنجارهای اجتماعی دیگر
- اخلاق حرفه ای
- اخلاق حرفه ای در تربیت
- ابعاد اخلاق حرفه ای تربیت (حقوق و تکالیف معلمی و سازمان های تربیتی)



❖ حرفه و ابعاد آن

واژه «حرفه» کاربرد های فراوانی دارد. عام ترین کاربرد این واژه، به معنای پیشه، شغل و کار است. بر اساس فرهنگ علوم اجتماعی؛ واژه حرفه به شغلی اطلاق می شود که داشتن دانش و مهارت سطح بالایی را طلب می کند و باید حداقل بخشی از آن دانش و مهارت از طریق گذراندن دوره های کم و بیش نظری و نه با ممارست عملی صرف کسب شود (صدری فر، ۱۳۸۹). مفهوم اصطلاحی حرفه، از دیرباز، کاربرد متفاوتی با کار و حتی شغل داشته است. شغل، یکی از مولفه های حرفه است. از مولفه های دیگر آن، کسب روزی از طریق اشتغال، اختیار در کار و اشتغال، خدمت محوری، ثمر ثمر بودن، مفید بودن یا مطلوبیت اجتماعی حرفه، داشتن دانش، مهارت و توانایی، استقلال و میزان قابل توجهی از اقتدار است (قراملکی، ۱۳۸۶).

امروزه با پیشرفت تمدن های انسانی و گسترش ارتباطات اجتماعی و بین المللی مفهوم حرفه نیز دچار تغییر و تحولاتی گردیده که آن را از مفهوم سنتی آن متمایز می نماید. با این حال، در تعریف حرفه^۱ یا کسب و کار اقوال گوناگونی مطرح است؛ از جمله، عده ای معتقدند: «حرفه در یک معنای عام تنها شغل و پیشه فرد را در برمی گیرد و در معنای محدودتر به فعالیت معینی که موجب هدایت فرد به موقعیت تعیین شده همراه با اخلاقی خاص است، اطلاق می گردد» (چادویک، ۱۹۹۸).

در این دیدگاه مرزهای یک حرفه با شکلی از دانش و ایده آلی از خدمتی که مهارت حاصل از آن تا اندازه ای درجه ای به سوی شأن و مقام آن می گشاید، تعیین شده است. عده ای در تعریف حرفه آورده اند که: «حرفه عبارت است از یک سری مشاغل متشابهی که در قلمرو صنعت در مقیاسی وسیع برای یک عده از افراد یک جامعه در نظر گرفته می شود» (پرهیزکار، ۱۳۷۳) و در مقایسه حرفه و شغل^۲ که آن را مجموعه وظایف و مسئولیت های مرتبط و مستمر و مشخصی در جامعه به عنوان یک کار واحد دانسته اند؛ حرفه را طبقه بندی کلی تر و علمی تر از شغل می دانند.

همچنین برای حرفه تعریفی متمایز از وظیفه و مقام ارائه می کنند. عده ای نیز در تعریف حرفه آن را اشتغال غایتمند می دانند و آن را از «کار^۳» متمایز کرده و در تعریف کار گویند: «حرفه ای که با مشکلات خاص خود همراه است» (کانت، ۱۳۷۸)؛ در واقع کار را حرفه اضطراری دانسته که در آن یا ما خود را ملزم به انجام آن می کنیم و یا از طرف دیگران مکلف به انجام اموری هستیم.

همچنین کار را مجموعه اعمالی دانسته اند که انسان به کمک مغز، دست، ابزار و ماشین ها برای استفاده عملی از ماده روی آن انجام می دهد و این اعمال نیز متقابلاً بر انسان اثر می گذارد و او را تغییر می دهد (توسلی، ۱۳۷۵). به طور کلی از این دو دیدگاه پیرامون حرفه و کار درمی یابیم که «حرفه» مفهومی عام تر از «کار» است به نحوی که مفهوم کار را در بر می گیرد ولی تمام مصادیق کار قابل اطلاق به حرفه نیست. و

^۱. Profession

^۲. job

^۳. work

نیز در تعریف حرفه، آن را یک تکلیف شغلی و کاری با کارآموزی و تعلیم که به یک زمینه از علم، هنر یا دانش اختصاص پیدا می‌کند، دانسته‌اند.

برخی دیگر از صاحب‌نظران حرفه را این گونه تعریف می‌کنند: «پیشه ای که مستلزم وجود دانش تخصصی است و اغلب نیازمند آموزش مهارت‌ها، روش‌ها و همچنین اصول علمی، تاریخی و محققانه ای که بر آن مهارت‌ها و روش‌ها تاکید دارد می‌باشد و با استناد به سازمان و تشکیلات یا اتفاق آراء و استانداردهای بالای دستاوردها و رفتار و سلوک پشتیبانی می‌شود و اعضای خود را به مطالعاتی مستمر و نوعی کار متعهد می‌کند».

الوانی (۱۳۷۷) معتقد است که تعریف واحدی برای حرفه وجود ندارد، اما ایشان حرفه را واجد چند ویژگی می‌داند:

- ۱- حرفه یک چارچوب ذهنی دارد
 - ۲- مجموعه ای از دانش و تئوری را در بر می‌گیرد
 - ۳- دارای شان و مرتبت اجتماعی است
 - ۴- سازمان یا سازمان‌هایی آن را ترویج می‌کنند
 - ۵- گروهی از دیدگاه عملی و نظری به آن مشغول‌اند
 - ۶- در میان رشته‌های دانشگاهی جایگاهی دارد و دارای معیارهای اخلاقی و ارزشی خاص خود است.
- در تعاریفی که از حرفه به عمل آمده به نظر می‌رسد، حرفه نوعی فعالیت اجتماعی همراه با تخصص است که فرد ناگزیر از برقراری روابط اجتماعی با افراد جامعه است، به نحوی که همگی افراد به دنبال هدف خاصی به تلاش مستمر می‌پردازند.
- پس می‌توان گفت که حرفه از کار، شغل و اشتغال متمایز است؛ زمانی فردی به امری اشتغال دارد؛ گاهی به دلیلی که در آن امر اشتغال دائمی دارد می‌گوییم آن امر شغل اوست. اما اگر شغل ضابطه مند و مبتنی بر دانش و مهارت باشد، در یک شرایطی به حرفه تبدیل می‌شود (ترکاشوند و پژوهش‌نیا، ۱۳۸۹). بنابراین حرفه همان شغل نیست، بلکه شغلی است که صاحب آن دارای یک سری مولفه‌هایی مانند فراگیری و کسب آموزش، دانش، مهارت و توانایی خاص می‌باشد که معمولاً هویت صنفی هم به خود می‌گیرد.
- به طور کلی ویژگی‌های حرفه را می‌توان در قالب نه ویژگی زیر برشمرد (صدری فر، ۱۳۸۹):

۱. مجموعه ای از دانش تخصصی و مهارت‌های فنی
۲. آموزش و تجربه ای رسمی
۳. نظامنامه اخلاقی یا استاندارد رفتاری
۴. تعهد به ارائه خدمات عمومی
۵. وجود سازمانی رسمی برای حمایت از حرفه ای شدن
۶. اعطای جواز به دست‌اندرکاران
۷. مقررات شدید و استانداردهای سطح بالای صلاحیت‌ها

۸. اطمینان

۹. ادامه کار به خاطر دیگران

به طور کلی و بدون در نظر گرفتن برهه زمانی خاص و یا از دیدگاه گروه یا مکتب خاصی، حرفه دارای ابعاد و ارکانی است که از کنار هم قرار گرفتن آن‌ها، حرفه شکل می‌گیرد؛ که عبارتند از:

الف) ارتباط آفرینی

حرفه به عنوان یک فعالیت اجتماعی در واقع برقراری یک نوع ارتباط را می‌طلبد. حرفه در دوره‌های مختلف انسانی همیشه ناگزیر از ارتباط آفرینی بوده است، ولی نحوه ارتباط در حرف در دوره‌های مختلف صور گوناگونی داشته است (رابینز، ۱۳۸۷).

ب) هدفمندی

از مهمترین ارکان حرفه، هدفمندی آن است. چنانچه در تعریف حرفه بیان شد، حرفه فعالیت غایتمند است. غایت در حرفه در واقع از علل تشکیل سازمان است؛ بدین معنا که هر حرفه در جامعه بشری به دنبال هدفی تأسیس و شکل گرفته است. این اهداف می‌تواند به منظور درآمدزایی بیشتر، یا پیشرفت‌های مهارتی، صنعتی و فناوری و یا انگیزه خدمت به افراد انسانی و غیره باشد؛ که در این میان بهتر از همه، انگیزه خدمت و رفع نیازهای بشری است (منصور، ۱۳۵۸).

ج) نیروی انسانی

از آن‌جا که شکل‌گیری حرفه، سازماندهی، توسعه و پیشرفت آن، همگی زاینده اندیشه و ذهن خلاق و توانمند انسان است و همچنین به خاطر نیاز جوامع بشری به فعالیت‌های اجتماعی و ارتباطی به نام حرفه، برای برطرف نمودن نیازهای اقتصادی، اجتماعی و غیره؛ روابط ایجاد شده توسط حرفه با موجودی به نام «انسان» مواجه می‌گردد.

د) تخصص (مهارت شغلی)

حرفه، کاری است همراه با نوعی تخصص و دانش که فرد در آن باید تبحر لازم را داشته باشد. تخصص در حرفه‌های گوناگون متفاوت است. به عبارت بهتر هر حرفه و شغلی نیازمند مهارت و تخصص ویژه خود است؛ به نحوی که متخصص در هر حرفه قادر به ادامه خدمت در حرفه مورد نظر خویش است و در حرف دیگر از او توقع انجام وظیفه نخواهیم داشت.

ه) تقسیم کار (سازماندهی)

پایداری، ثبات و ادامه حیات یک حرفه نیازمند سازماندهی است. از بارزترین نمونه‌های سازماندهی در حرف، تقسیم کار است. به سبب تقسیم کار در حرفه، جایگاه هر فرد در هر حرفه مشخص و روشن می‌گردد و در آن هنگام فرد با توجه به مسئولیتی که بر عهده او نهاده شده است موظف به انجام وظایف و کارهای خویش خواهد بود. و بدلیل چنین سازماندهی و تعیین جایگاه اعضای حرفه، نظم و سازمان‌دهی خاصی بر حرفه حاکم می‌گردد، که موجب عملکرد صحیح حرفه و دوام آن می‌شود.

(و) ابزار (امکانات)

یکی از عوامل موثر در شکل‌گیری حرفه، ابزار و تمهیدات ویژه و لازم برای حرفه است. هر حرفه برای پیش بردن اهداف و برنامه‌ریزی‌های سازمان یافته‌ی خویش، نیازمند ابزار و امکاناتی است. ابزارهای لازم برای حرفه‌های گوناگون متفاوت است و فراهم نمودن ابزار و امکانات هر حرفه و همچنین طریقه بکارگیری و استعمال آنها نیازمند افراد متخصص و آشنا به فنون و ابزارهای لازم برای آن است.

(ز) محیط

برای دوام و بقای یک حرفه، محیط مناسب و درخور حرفه لازم است. محیط‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و حتی طبیعی در شکل‌گیری یک حرفه نقش بسزایی دارد. در جوامع مختلف ما با توجه به نگرش‌های سیاسی، فرهنگی، قومی و قبیله‌ای شکل‌گیری بعضی حرفه‌ها را غیرممکن و استمرار حرفه‌های مطابق با آن محیط را همراه با رونق و دوام ملاحظه می‌کنیم؛ به عنوان مثال در جوامع اسلامی که افراد آن دارای اعتقادات مذهبی و دینی خاص شریعت خویش هستند و زندگی اجتماعی و افعال و معیشت خویش را مطابق با احکام و مقدرات فقهی می‌پسندند، حرفه‌هایی که با هر یک از این معیارها در تضاد یا تقابل باشند، جایگاهی در بلاد خویش نداشته و قادر به شکل‌گیری و ادامه حیات نخواهد بود، یا جو سیاسی حاکم بر جوامع مختلف در یک حرفه نقش بسیار مهمی و در بسیاری از موارد مانع مهمی بر سر راه شکل‌گیری و استقرار بعضی حرفه‌ها می‌گردد.

(ح) سرمایه (معنوی)

به طور کلی سرمایه قابل تقسیم بر دو بخش مادی و غیرمادی است. در زمینه سرمایه‌های مادی می‌توان از پول، امکانات و ابزار و منابع اولیه و طبیعی نام برد. اما آنچه در این موضوع بیشتر مدنظر می‌باشد، سرمایه به معنای دوم یعنی سرمایه غیرمادی است که از آن به سرمایه معنوی نیز گاهی تعبیر می‌کنند. از جمله سرمایه‌های معنوی می‌توان مبانی رفتاری و اخلاق حرفه‌ای در حرف مختلف را نام برد. همچنین قواعد و قوانین سازمانی و اصول کاری هر حرفه که تحت عنوان «آیین‌نامه‌های حرفه‌ای» و «اساس‌نامه‌های تشکیلاتی» قابل ذکر است نیز به عنوان پشتوانه و سرمایه‌ای برای حرفه‌های مختلف محسوب می‌گردد (صدری فر، ۱۳۸۹).

❖ اخلاق و تفاوت آن با هنجارهای اجتماعی دیگر

«اخلاق»، جمع خُلُق و خُلُق است به معنای سرشت، سبیه، خوی، طبیعت و امثال آن، که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود؛ اعم از سجایای نیکو و پسندیده، مانند راستگویی و پاکدامنی، یا سجایای زشت و ناپسند، مانند دروغ‌گویی و آلوده‌دامنی (ابن منظور، ۱۴۱۶).

بسیاری از فلاسفه و حکمای اسلامی، اخلاق را با توجه به همان معنای لغوی تعریف کرده‌اند. حکمای گذشته، روح و نفس غیر مادی انسان را خاستگاه هر گونه رفتار ظاهری و عمل آدمی می‌دانستند و از این رو اصل در اخلاق را توجه به صفات نفسانی انسان می‌دانستند که ثمره اصلاح نفس و درون در رفتارها و اعمال بیرونی به سرعت آشکار می‌شود. از این رو منظور از اخلاق در اصطلاح اندیشمندان هرگونه صفت نفسانی است که موجب پیدایش کارهای خوب یا بد می‌شود؛ چه آن صورت نفسانی به صورت پایدار و راسخ باشد و چه به صورت ناپایدار و غیرراسخ و چه از روی تامل و اندیشه یا بدون تفکر و تامل صادر شود. در عین حال شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارت است از «صفات و ویژگی‌های پایدار در نفس که موجب می‌شوند کارهایی متناسب با آن صفات، به‌طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود» (مجلسی، ۱۴۰۳).

شهید مطهری (۱۳۸۷) تعریفی از اخلاق را می‌پذیرد که هم به چگونه رفتار کردن توجه کرده باشد و هم به چگونه بودن؛ چگونگی رفتار مربوط می‌شود به اعمال انسان که شامل گفتار هم می‌شود و چگونه بودن مرتبط با صفات و ملکات نفسانی است.

به عقیده قراملکی (۱۳۸۸)، اخلاق، رفتار ارتباطی پایدار مبتنی بر رعایت حقوق طرف ارتباط است. براساس این تعریف، اخلاق به نسبت بین دو امر اطلاق می‌شود: کسی که رفتاری انجام می‌دهد و کسی یا چیزی که به نحوی هدف آن رفتار قرار می‌گیرد.

دامنه اخلاق را در حد رفتارهای فردی تلقی می‌کنند، اما رفتارهای فردی وقتی که در سطح جامعه یا نهادهای اجتماعی تسری پیدا می‌کند و شیوع می‌یابد، به نوعی به اخلاق جمعی تبدیل می‌شود که در فرهنگ جامعه ریشه می‌دواند و خود نوعی وجه غالب می‌یابد که جامعه را با آن می‌توان شناخت (تولایی، ۱۳۸۸).

اگر بخواهیم تعریف عام و شاملی از اخلاق مطرح کنیم که شامل هرگونه نظام اخلاقی شود، می‌توان اخلاق را نظامی از ارزش‌ها بدانیم که فرد را به اختیار یک فعل متمایل می‌سازد؛ بدون اینکه او را به حد الزام و اجبار رسانده باشد و البته به تعبیر علمای اخلاق، این اختیار و گزینش مورد تحسین یا تقبیح عقلا هم قرار می‌گیرد. البته در یک تعریف خاص‌تر، اخلاق ناظر به پرورش فضایل و خوبی‌ها و خلق و خوی‌های نیکو در انسان تعریف می‌شود که در این فرض هم فعلی گزینش می‌شود که متناسب و برآمده از خلق نیکو یا در راستای آن باشند (شعبانی، ۱۳۸۲).

حال با ملاحظات پیش گفته می‌توان به ارتباط ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی پرداخت: اخلاق به معنای کلی و متعارف آن با ارزش‌های اجتماعی نوعی همپوشانی دارد. هنجارهای اجتماعی از آن جهت که مایه‌ی ارجمندی و ترجیح یک امر و فعل را نسبت به گزینه‌های دیگر تأمین می‌کند، به نظر با ارزش اخلاقی تفاوتی ندارد. هرچند وقتی اخلاق را به معنای خاص و ایده‌آل در نظر داشته باشیم، قاعدتاً در سلسله‌مراتب ارزش‌ها، به‌نوعی حاکم و معیار برای هنجارهای دیگر قرار می‌گیرد. به همین سبب، بسیاری از صاحب‌نظران برای اخلاق خاستگاه اجتماعی قائل‌اند. بدین معنی که اگر ما امری را ارزشمند قلمداد می‌کنیم،

با مراجعه به درون و وجدان خود آن را ممدوح و مطلوب سایرین و اجتماع می‌دانیم. این حسن تلقی و مقبولیت مردمی، دخیل در مقبولیت فردی آن ارزش‌هاست. به این ترتیب آنچه را ما از نظر فردی ارزشمند می‌شماریم، از آن‌روست که همگان آن را ارزشمند می‌دانند (هوشنگی، ۱۳۸۹).

اخلاق یا نظام اخلاقی در علوم اجتماعی بیشتر به مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها یا فهرستی از بایدها و نبایدهای مقبول و پذیرفته شده و دارای اعتبار عام که عمل و رفتار انسان را در قلمروهای مختلف زندگی اعم از فردی و اجتماعی هدایت می‌کند، اطلاق شده است. کنش اجتماعی بر پایه قواعد و معیارهای مشترک و التزام به رعایت نظام هنجاری مورد اتفاق و منطق تعاملی پذیرفته شده، نظم و انسجام اجتماعی را به عنوان یک ضرورت کارکردی اجتناب ناپذیر تامین خواهد کرد. بخشی از این معیارها را قواعد عرفی، آداب و رسوم و عادات اجتماعی، بخشی را قوانین یا هنجارهای حقوقی و بخشی را که در مقایسه، از جایگاه و موقعیت برتر و نقش تعیین کننده تری برخوردارند، هنجارهای اخلاقی تشکیل می‌دهند (گوروچ، ۱۳۵۸).

در رابطه‌ی اخلاق و هنجارهای اجتماعی تفکیک و تمایز لازم است. هنجارهای اجتماعی به عنوان نظامی از اعتبارات و تشریعات ناظر به تأمین نظم و امنیت اجتماع، می‌باید از ارزش‌های اخلاقی متمایز شوند. در هنجارهای اجتماعی، برخلاف ارزش‌های اخلاقی، بعضاً الزام و اجبار بیرونی وجود دارد و جامعه، دولت و حاکمیت با قوه‌ی قهریه، ضمانت اجرایی آن‌ها را تأمین می‌کند و لذا محدود و محصور به قلمروی سرزمینی آن جامعه و دولت است. بسیاری از هنجارها نیز تحت عنوان سنت‌ها و قوانین اجتماعی نانوشته‌اند و هرچند تبعات و پیامدهای قانونی در راستای مجازات متخلفان آن وجود ندارد، ولی در اجتماعات به دقت رعایت و به گونه‌ای پنهان متخلفان تنبیه و مجازات می‌شوند؛ حتی گاه مجازات و تنبیه اجتماعی در مورد متخلفان شدیدتر از مجازات‌های رسمی و قانونی است. با همه‌ی این‌ها، تعامل و تبادل میان این دو گروه ارزش، بسیار است و احکام اخلاقی می‌تواند مبنای قانونگذاری قرار گیرد؛ همچنان که بعضی هنجارها و ملاحظات اجتماعی می‌تواند به عرف و اخلاق واگذار شود و هردو می‌توانند پشتوانه‌ی اجرایی یکدیگر قرار گیرند (هوشنگی، ۱۳۸۹).

در اینجا به برخی از مهمترین هنجارهای اجتماعی اشاره می‌گردد:

الف) قوانین اجتماعی

قوانین و رسومی است که با خواست و آگاهی در مجالس قانون‌گذاری وضع می‌شوند و برای نقض آنها نیز مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است.

ب) مقررات اجتماعی

مقررات و رسومی است که به وسیله سازمان‌های مختلف اجتماعی به وجود می‌آید و ضمانت اجرایی آن به اندازه قوانینی که از مجالس می‌گذرد نیست و هر سازمانی بنابر مقتضیات و شرایط خاص خود به تدوین مقررات اجتماعی می‌پردازد. مانند مقررات راهنمایی و رانندگی که در صورت تخطی از آن در نهایت به پرداخت جریمه یا حداکثر زندان کوتاه‌مدت منجر شود؛ در صورتی که نقض قوانین ممکن است حتی تا اعدام کشیده شود.

ج) رسوم اجتماعی

رسوم اجتماعی عبارت از مجموعه کنش‌های یکسانی است که بر اثر تکرار فراوان در طول زمان تثبیت شده و برطبق الگویی که معمولاً از طرف گروه به‌خصوصی پذیرفته شده انجام می‌گیرد. در اصل مفید فایده است. مانند: رسم مهمان‌نوازی، یا خواستگاری زن به‌وسیله مرد و... .

د) رسوم اخلاقی

هرگاه آداب و رسوم نه تنها به‌طور کلی و رسمی در گروهی اجراء شود بلکه در عین حال مبنی بر ارزش‌ها و احساساتی باشد، به‌طوری که عدم تمکین بدان موجب اجراء مجازات شدیدی از جانب گروه گردد، آنگاه این رسوم به نام رسوم اخلاقی خوانده می‌شود.

ه) میثاق اجتماعی

رسمی است که بر اثر وضعیت خاصی به‌وسیله عده‌ای از افراد جامعه برقرار می‌شود. به این معنی که این عده، با هم عهد و پیمان می‌بندند که در امری متحداً اقدام کنند. مثلاً عده‌ای از دانشجویان تصمیم می‌گیرند به علت گرانی هزینه دانشگاه از رفتن به کلاس خودداری کنند یا عده‌ای از مردم به علت گرانی برق از مصرف آن خودداری نمایند.

و) تشریفات اجتماعی

برخی از رسوم اجتماعی است که در موارد رسمی معین و خاصی انجام می‌گیرد. مانند: تشریفات پذیرایی رسمی از میهمان در جشن‌های بزرگ.

ز) آداب اجتماعی

برخی از رسوم اجتماعی است که به‌منظور رعایت «قواعد نزاکت» انجام می‌گیرد. مانند: آداب غذاخوردن، آداب سخن گفتن و آداب لباس پوشیدن.

ح) شیوه‌های قومی

برخی از رسوم اجتماعی کهن است که در میان یک گروه فرهنگی متجانس که دارای فرهنگ قومی (فولکلور) خاصی هستند مراعات می‌شوند. مانند: لباس «آرخالق» در بین مردم ایل قشقایی، یا رسم «قنداشکنون» در میان ساکنان چهار محال و بختیاری و یا آیین «قالی شوین» در بین اهالی مشهد اردهال در کاشان.

ط) سنت‌های اجتماعی

رسمی است دقیق و عمومی که از دیرگاه برجا مانده است مانند: عید نوروز، شب یلدا، سنت‌های دینی و... سنت‌ها معیارهائی است که از دیرزمانی به‌وسیله سالمندان در زندگی جای‌گیر شده و متوجه هدف‌های تعیین شده عمومی، ولی گریزناپذیر می‌باشد. کسانی که رفتارشان از خارج، تحت نظارت معیارهای فرهنگی قدیم، علقه‌های خویشاوندی، مذهب، آداب و رسوم و مانند آن قرار می‌گیرد «سنت» خوانده می‌شود (ویستا، ۱۳۹۵).